

## نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام در صحاح سته

حجت الاسلام والمسلمین وحید خورشید \*

### مقدمه

اعتقاد به اصل مهدویت و حکومت فراگیر و عادلانه مهدی موعود از اختصاصات شیعیان نیست؛ بلکه دیدگاه اهل سنت نیز با شیعه در این مسئله یکی است. بین همه مسلمانان مشهور است که در آخرالزمان به طور یقین، مردی از اهل بیت پیامبر ظهور می‌کند. او دین را یاری و عدل را در همه جهان آشکار می‌کند. نامش «مهدی» است. عیسی علیه السلام، بعد از او یا هم‌زمان با او، نزول و او را در کشتن دجال یاری و در نماز به او اقتدا می‌کند؛ برای همین اندیشمندان و نویسندگان برجسته مسلمان از سده‌های نخستین تاکنون به مباحث مهدویت در تاریخ اسلام توجه کرده و آثار فراوانی در این باره ارائه کرده‌اند.

صحاح سته از جمله آثاری است که روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام، را به صورت مفصل نقل کرده‌اند. وجود این احادیث فراوان و معتبر در این منابع مهم و باارزش روایی اهل سنت، نشان از اهمیت مسئله مهدویت دارد. از مباحثی که در صحاح سته درباره آن روایات فراوانی نقل شده، نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

رضی قادری کتابی مستقل درباره مهدویت در صحاح سته با نام مهدویت در صحاح سته نوشته است؛ اما نویسنده بیشتر در صدد جمع روایات مهدوی بوده است. رحیم علی طالعی نیز کتاب علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام از نگاه شیعه و سنی را نوشته که به صورت تطبیقی به روایات اشاره کرده است. این نوشتار، گذشته از بررسی صحت و سقم روایات، با تکیه بر کتب شارحان صحاح سته، به نکات مهم و قابل توضیح روایت نیز اشاره کرده است تا فهم روایات، برای خواننده آسان باشد. پرداختن به مسائل مهدویت در کتب اهل سنت، از آنجا دارای اهمیت

\* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

و ضرورت است که بیشتر روایات آن‌ها شبیه به روایات شیعه است. این مسئله می‌تواند گامی مهم در احیای فرهنگ تقریب و وحدت بین شیعه و اهل سنت، درباره مهدویت بر می‌دارد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و در پی پاسخ به این سؤال است که در مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت درباره ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به چه مسائلی پرداخته شده است؟

### نشانه‌های مهم قبل از ظهور

مطلب قابل توجه این است که برخی از نشانه‌های ظهور در کتب اهل سنت به «اشراط الساعة» (علامات آخرالزمان و قیامت) یاد می‌شود؛ اما این منافات ندارد که آن را نشانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز بگیریم؛ یعنی یک نشانه هم می‌تواند از «اشراط الساعة» باشد هم درباره ظهور. ملا علی قاری (متوفای ۱۰۱۴ ق) نیز به این مسئله در کتاب مرقاة المفاتیح اشاره کرده است که عنوان باب اشراط الساعة اعم از مهدی و غیر مهدی است. وی در صفحه ۱۰۰ همان کتاب در ذیل روایتی درباره نشانه‌های قیامت، اشاره کرده است که نشانه‌های قیامت، در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار می‌شود. ابن حجر (متوفای ۸۵۲ ق) نیز در کتاب فتح الباری<sup>۱</sup> بعد از ذکر روایات درباره وقوع فتنه، هرج و مرج و فساد در زمین که از آن‌ها با عنوان اشراط الساعة یاد شده، می‌گوید: «این‌ها همه هنگام خروج مهدی اتفاق خواهد افتاد». این جمله به‌خوبی نشان می‌دهد که بین این دو نشانه، منافاتی ندارد و نشانه‌های قیامت می‌تواند، نشانه‌های ظهور مهدی موعود نیز باشد. شارحان روایات درباره نشانه‌ها نیز به این مسئله اشاره کرده‌اند که بعد از این نشانه‌هاست که مهدی ظهور خواهد کرد.

### ۱. فراگیری هرج و مرج و ظلم و ستم

از موارد مهم آخرالزمانی در کتب اهل سنت به‌ویژه در صحاح سته که در حقیقت از نشانه‌های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به شمار می‌رود، گسترش هرج و مرج و فراگیری ظلم و ستم است. بیشتر روایات در این باره در ذیل باب الفتن ذکر شده است. این فتنه‌ها بعد از ظهور از بین خواهند رفت. ابن حجر در این باره می‌گوید: «ینشأ عنها الهرج ثم یخرج المهدی فیحصل الأمن»؛<sup>۲</sup> هرج و مرج به وجود خواهد آمد؛ سپس مهدی خروج کند و امنیت حاصل شود. روایات صحاح سته در این باره چنین است:

۱. ابن حجر، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۱۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۷.

۱. بخاری (متوفای ۲۵۶ ق) درباره هرج و مرج در آن زمان چنین نقل کرده است: «قال النبي صلى الله عليه وآله: إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ لَأَيَّامًا يَنْزُلُ فِيهَا الْجَهْلُ وَيَرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ وَيَكْثُرُ فِيهَا الْهَرْجُ وَالْهَرْجُ الْقَتْلُ»؛<sup>۱</sup> پیامبر فرمود: در آستانه قیامت ایامی خواهد بود که جهل سرازیر می‌شود و علم رخت برمی‌بندد و هرج و مرج و قتل زیاد می‌شود. وی روایت دیگری را نیز این چنین نقل کرده است: «النبي صلى الله عليه وآله، قال: يتقارب الزمان وينقص العلم ويلقى الشح وتظهر الفتن ويكثر الهرج. قالوا: يا رسول الله ايما هو؟ قال: القتل القتل»؛<sup>۲</sup> زمان نزدیک می‌شود و علم کم می‌شود و بخل بالا می‌گیرد و فتنه‌ها ظاهر و هرج زیاد می‌شود. پرسیدند: یا رسول‌الله! هرج چیست؟ فرمود: قتل، قتل.

این روایات معتبر به خوبی تصریح دارد که این هرج و مرج و فتنه‌ها از نشانه‌ها خروج مهدی موعود است. ملا علی قاری بعد از ذکر این روایات گوید: «كأنه والله أعلم، يريد خروج المهدي و بسط العدل في الأرض»؛<sup>۳</sup> گویا خدا اراده کرده است که مهدی خروج کرده و عدالت را در زمین بگستراند.

درباره معنای «یتقارب الزمان» در متن روایت، چندین احتمال داده‌اند.

یک. مراد این است که در آن روزگار چنان لذت عیش و زندگی بیشتر می‌شود که گویا سال به اندازه یک ماه و ماه به اندازه یک هفته و یک هفته به مقدار یک روز و یک روز به اندازه یک ساعت می‌شود. این شاید به سبب خروج مهدی باشد که عدالت را در زمین برپا کرده است (امنیت و راحتی مردم را فراهم کرده است که از زندگی لذت می‌برند). ملا علی قاری از کرمانی نقل می‌کند که وی این احتمال را رد کرده و گفته است: «چنین چیزی با مسئله ظهور فتنه و هرج و مرج که در روایت به آن اشاره شده است، سازگاری ندارد»؛<sup>۴</sup>

دو. مراد مساوی شدن زمان شب و روز است.

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۵۹۰.

۲. همان، ج ۶، ص ۲۵۹۰.

۳. عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

۴. «وقال الخطابي: يتقارب الزمان حتى تكون السنة كالشهر وهو كالجمعة وهي كاليوم وهو كالساعة وهو من استلذذ العيش كأنه والله أعلم يريد خروج المهدي وبسط العدل في الأرض، وكذلك أيام السرور قصار. وقال الكرمانی: هذا لا يناسب أخواته من ظهور الفتن وكثرة الهرج». عینی، بدر الدین، عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

سه. نزدیک شدن روز قیامت مقصود است.  
چهار. مقصود کم شدن شب و روز است.  
پنج. طحاوی گفته است که مقصود تغییر احوال مردم است که علم را ترک کرده و به جهل راضی می‌شوند.  
شش. بیضاوی نیز معتقد است مراد از نزدیک شدن زمان، انقراض دولت‌ها به صورت سریع و نزدیکی پادشاهی آن‌ها به همدیگر است.<sup>۱</sup>  
هفت. ابن بطلال نیز گفته است که مراد متفاوت بودن احوال آن زمان درباره اهلیش است که دین‌دار کم می‌شود تا آنجا که به علت غلبه فسق و فاسق دیگر کسی، دیگری را امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند.<sup>۲</sup>  
هشت. مراد نزدیک شدن احوال مردم در فساد است؛ یعنی صفات اهل آن زمان در انجام دادن چیزهای قبیح به همدیگر نزدیک می‌شود.<sup>۳</sup>  
نه. ابن حجر احتمال دیگری را نیز در این باره ذکر کرده است که مراد از این جمله، کوتاه شدن عمرها است.

ده. به کوتاه شدن عمر در زمان دجال نیز تفسیر شده است.<sup>۴</sup>  
یازده. به نزدیکی زمان دنیا به زمان آخرت اشاره دارد.<sup>۵</sup>  
مراد از کم شدن علم در روایت نیز این است که به علت مرگ علما، نادان‌ها بسیار می‌شوند. عینی نیز به این مطلب اشاره کرده است.<sup>۶</sup> با کم شدن علما، مردم، جاهلان را در جایگاه بزرگ و رئیس خود برمی‌گزینند که آنان نیز طبق رأی خود درباره دین فتوا می‌دهند.<sup>۷</sup>  
بخاری روایات دیگری را نیز درباره فتنه‌های قبل از ظهور چنین نقل می‌کند: «از نشانه‌های

۱. همان، ج ۲۴، ص ۱۸۲.

۲. «[یتقارب الزمان] ومعنی ذلك، والله أعلم، تقارب أحوال أهله في قلة الدين حتى لا يكون فيهم من يأمر بمعروف ولا ينهي عن منكر لغلبة الفسق وظهور أهله». ابن بطلال، علی، شرح صحیح البخاری، ج ۱۰، ص ۱۳.

۳. عینی، بدرالدین، عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۷.

۴. «فسر بقصر الأعمار». ابن حجر، احمد، فتح الباری، ج ۶، ص ۳۲۳.

۵. ملا علی قاری، مرقاة المفاتیح، ج ۱۰، ص ۱۷.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۷، ص ۵۷: «حتى يقبض العلم، و ذلك بموت العلماء و كثرة الجهلاء».

۷. همان، ج ۲، ص ۸۳.

قیامت برچیده شدن علم، باقی ماندن جهل، شراب‌خواری و آشکار شدن زنا، زیاد شدن زنان و کم شدن مردان است تا آنجا که یک نفر، سرپرست و قیم پنجاه زن می‌شود.<sup>۱</sup> شبیه این روایات در صحیح بخاری فراوان ذکر شده است. مسلم نیز این روایات را نقل کرده است.<sup>۲</sup> در سنن ترمذی<sup>۳</sup> و سنن ابن ماجه<sup>۴</sup> نیز نقل شده است.

مراد از زیاد شدن زنان و کم شدن مردان همچنان که شارحان این روایات ذکر کرده‌اند، کشته شدن مردان یا اسیر شدن آنان در جنگ‌ها و فتوحات است که در این صورت زنان باقی می‌مانند و به‌ناچار یک مرد عهده‌دار زنان بسیار می‌شود.<sup>۵</sup> یا اشاره به این است که در آخرالزمان تولد پسر کم و تولد دختر زیاد می‌شود و با کم شدن مردان، علم کم و جهل زیاد می‌شود و به دنبال آن زنا و جهل آشکار می‌شود.<sup>۶</sup>

ابن ماجه (متوفای ۲۷۵ ق) و ابوداود (متوفای ۲۷۵ ق) روایتی درباره شدت فتنه در آخرالزمان نقل می‌کنند:

حَدَّثَنَا مُسَدَّدُ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُبَادَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ تَرْوَانَ عَنْ هُرَيْلٍ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيَمْسِي كَافِرًا وَيَمْسِي مُؤْمِنًا وَيَصْبِحُ كَافِرًا الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ وَالْمَأْمِيُّ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي؛<sup>۷</sup> در آستانه قیامت، فتنه‌ها فرامی‌رسد؛ مثل تکه‌های شب تاریک. مرد صبح می‌کند درحالی‌که مؤمن است و شب‌هنگام، کافر می‌شود. یا شب می‌شود درحالی‌که مؤمن است و صبح‌هنگام کافر می‌شود. در آن ایام، نشسته بهتر از ایستاده است و ایستاده بهتر از راه‌رونده و راه‌رونده بهتر از ساعی است.

البانی (متوفای ۱۴۲۰ ق) بعد از نقل روایت، سند آن را صحیح می‌داند.<sup>۸</sup> این روایت را ترمذی

۱. بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۳.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۶-۲۰۵۹.

۳. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۹۱.

۴. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۳.

۵. مناوی، فیض القدير، ج ۲، ص ۵۳۲.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۲، ص ۸۴.

۷. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۰ و ابوداود سجستانی، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۰.

۸. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ابوداود، ج ۳، ص ۱۱.

نیز با اندکی تفاوت نقل کرده است<sup>۱</sup> که البانی آن را صحیح دانسته است.<sup>۲</sup> روایت دیگری نیز با این مضمون در صحاح سته وجود دارد.

این روایت با تشبیه فتنه به شب ظلمانی، شدت فتنه در آخرالزمان را می‌رساند و مراد از اینکه شخص صبح مؤمن می‌شود و در شب کافر و برعکس، کنایه از متزلزل بودن رفتار و گفتار انسان در زمان فتنه‌های آخرالزمان است؛ گاهی مؤمن و گاهی کافر و در یک‌زمان به معروف عمل می‌کند و در زمان دیگر مرتکب منکر می‌شود. حالات افراد در آن عصر، مدام در حال تغییر است. سهارنپوری به این مطلب در شرحش بر این حدیث اشاره کرده<sup>۳</sup> و درباره «الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ» می‌گوید: «این جمله اشعار به این دارد که خیر شخص در زمان فتنه در این است که تا می‌تواند از فتنه و اهل آن دوری کند و با آن‌ها رفت‌وآمد نکند».<sup>۴</sup>

ابن ماجه روایتی دیگری را درباره هرج‌ومرج و کشتار در آخرالزمان چنین نقل می‌کند: پیامبر فرمود: در آستانه قیامت هرج‌ومرج به وجود خواهد آمد. ابوموسی گوید: گفتم: هرج چیست؟ فرمود: کشتار برخی از مسلمان. گفتند: ای رسول خدا! ما الآن نیز در هرسال در حال جنگ با مشرکینیم. حضرت فرمود: مراد کشتار با مشرکین نیست؛ بلکه برخی از شما برخی دیگر را می‌کشد تا آنجا که مرد همسایه و پسرعمو و اقوام خود را می‌کشد.<sup>۵</sup>

البانی این روایت را صحیح دانسته است.<sup>۶</sup> ابی‌داود روایتی را از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که در آن به پر شدن ظلم در آن زمان چنین اشاره شده است: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ

۱. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۸۸.

۲. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ترمذی، ج ۲، ص ۴۷۴.

۳. خلیل احمد سهارنپوری، بذل‌المجهود، ج ۱۴، ص ۱۶۲: «ان المراد بالامساء والاصباح تقلب الناس فيها وقتا دون وقت لا بخصوص الزمانين فكانه كناية عن تردد احوالهم و تذبذب اقوالهم و تنوع احوالهم من عهد و نفض و امانة و خيانة و معروف و منكر، سنة و بدعة و ايمان و كافر». سهارنپوری، خلیل احمد، بذل‌المجهود، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

۵. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۰۹.

۶. محمد ناصرالدین البانی، صحیح سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۲۹۸.

جَوْرًا»؛<sup>۱</sup> اگر بیش از یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، در آن روز، خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد کند؛ آن چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. البانی بعد از نقل این روایت از سنن أبی داود، سند آن را صحیح دانسته است.<sup>۲</sup> ابن ماجه نیز شبیه به آن را نقل کرده است.<sup>۳</sup>

### نکاتی درباره پر شدن زمین از ظلم و جور و فساد

در این روایات اشاره شده است که یکی از نشانه‌های ظهور، فراگیر شدن همه جامعه بشری از ظلم و جور است و این ظلم ادامه خواهد داشت تا زمانی که مهدی علیه السلام، ظهور کند و تنها پایان‌دهنده به این ظلم، حکومت عادلانه ایشان است.

باید توجه داشت که در روایات «کما ملئت» آمده؛ نه «بعد ما ملئت» که بیانگر این نکته است که فراگیر شدن ظلم و ستم، شرط مقارن ظهور است؛ نه شرط ظهور؛ افزون بر آن بیانگر اوضاع و احوال جهان در هنگام ظهور است و خبر از واقعیتی خارجی هنگام ظهور می‌دهد؛ نه اینکه مردم را به ظلم ترغیب کند؛ لذا عقیده و برداشت کج‌اندیشانه برخی از این روایت، مبنی بر گستراندن ظلم و فساد برای تحقق ظهور، باطل است؛ به عبارت دیگر «کما ملئت» یعنی پر شده است و «پر» مفهومی نسبی است و کیفیت «پر» بودن هر چیزی فرق می‌کند. پر شدن از چه چیزی؟ اتاق پر از وسایل شده است یک معنا دارد، اتاق پر از عطر معنایی دیگر. وقتی گفته می‌شود همه اتاق پر از عطر است به این معنا نیست که در اتاق فرش نیست، میز نیست، آدم نیست و چیز دیگر نیست؛ پس پر شدن اتاق از بوی عطر منافاتی ندارد با پر شدن از آدم و سایر لوازم ندارد. گاهی می‌گوییم که خیابان پر از ماشین است؛ در حالی که می‌بینیم جمعیت زیادی در خیابان در حال رفت و آمدند؛ اما «پری» صادق است. پس وقتی که می‌گوییم آخرالزمان پر از ظلم است، معنایش این نیست که پر از چیزهای دیگر نیست یا فرد صالحی وجود ندارد. «کما ملئت ظلما» مثل همان بوی عطر است که گفتیم و ممکن است در شرایطی همه‌جا را ظلم و جور بگیرد و در عین حال افراد صالح هم وجود داشته باشند. می‌گوییم در روز عاشورا صحرای کربلا را ظلم و جور فرا گرفته بود؛ اما در عین حال امام حسین علیه السلام، نیز در آن صحرا حضور

۱. ابوداود سجستانی، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲. محمد ناصرالدین البانی، صحیح و ضعیف سنن أبی داود، ج ۹، ص ۲۸۳، ح ۴۲۸۳.

۳. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

داشت. آیا این عبارت بدان معنا است که امام حسین علیه السلام هم مرتکب ظلم و ستم می‌شد؟ پس برای اینکه زمین پر از ظلم و جور شود لازمه‌اش ظلم و فساد ما نیست و لازمه‌اش ترک واجبات و انجام دادن حرام نیست و لازمه‌اش کفر و فساد نیست؛ بلکه همین کافی است که چند نفر دارای قدرت بخواهند دنیا را به ظلم و جور بکشانند؛ اما درعین حال ملتی صالح نیز وجود داشته باشد.

## ۲. خروج سفیانی و خسف بیداء

از جمله نشانه‌هایی که قبل از ظهور به وقوع خواهد پیوست، خروج سفیانی و خسف بیداء (فرورفتن لشگر سفیانی در زمین) است. در روایات اهل سنت آمده است که مهدی قیام نمی‌کند؛ مگر اینکه سفیانی خروج کند و خسف بیداء رخ بدهد.<sup>۱</sup> سفیانی که یکی از نوادگان ابوسفیان است، از شام خروج می‌کند. او هرج و مرج را رواج داده و کسی را که با او مخالفت کند به قتل می‌رساند.<sup>۲</sup> در روایات صحیح نقل شده است که او در کشتار مردم چنان مبالغه می‌کند که حتی شکم زنان را دریده و کودکان را می‌کشد. وی برای اینکه کعبه را تخریب کند و حکومت را از دست حضرت مهدی علیه السلام بگیرد، به طرف کعبه لشگرکشی می‌کند؛ اما لشگریان او در سرزمین بیداء (بین مدینه و مکه) به معجزه الهی در زمین فرو می‌روند. احادیث گوناگون و زیادی در صحاح سته درباره سفیانی نقل شده است؛ ولی نامی از او به میان نیامده است؛ اما در دیگر کتب روایی اهل سنت از جمله مستدرک حاکم نیشابوری با سند صحیح، به نام، جنایات و لشگرکشی او به طرف کعبه اشاره شده است که با روایات صحاح مطابقت دارد.<sup>۳</sup>

روایاتی سفیانی و خسف بیداء در صحاح سته از این قرار است:

بخاری روایتی را از عایشه چنین می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود: «يَعْرُو جَيْشُ الْكُعْبَةِ؛ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْلِيهِمْ وَآخِرِهِمْ»؛<sup>۴</sup> لشگری آهنگ کعبه می‌کنند؛ پس هنگامی که به

۱. یوسف مقدسی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ج ۱، ص ۱۱۹: «أما من علامة بين يدي هذا الأمر، يعني ظهور المهدي... خروج السفیانی و الخسف بالبیداء».

۲. نعیم مروزی، الفتن، ص ۲۸۰-۳۳۳.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۶۵: «يخرج رجل يقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامة من يتبعه من كلب؛ فيقتل حتى يبق بطن النساء و يقتل الصبيان... إذا صار ببیداء من الأرض خسف بهم... هذا حدیث صحیح الإسناد علی شرط الشيخین و لم یخرجاه».

۴. بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶.



زمین بیداء درآمدند، زمین همه آن‌ها را فرومی‌برد.

وی روایت مشابهی را در ذیل باب «هدم کعبه» ذکر کرده است.<sup>۱</sup> مسلم نیز روایاتی را در این باره در ذیل «بَابُ الْخَسْفِ بِالْجَيْشِ الَّذِي يُؤْمُ الْبَيْتِ» نقل کرده است؛ همچنین به این مطلب تصریح کرده است که مراد از بیداء، منطقه‌ای در اطراف مدینه است. او ابتدا روایتی را چنین نقل می‌کند که برخی از اصحاب از پیامبر درباره خسف در بیداء و سپاهی پرسیدند که در آن فرو می‌رود. ام سلمه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرد که آن حضرت فرمود: «يَعُودُ عَائِدًا بِالْبَيْتِ؛ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتًا؛ فَإِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ»؛<sup>۲</sup> مردی به خانه خدا پناه خواهد برد؛ پس لشکری به سوی او فرستاده می‌شود. وقتی آن لشکر به سرزمین بیداء رسید، در آن سرزمین فرو خواهد رفت. وی همچنین از یکی از زنان پیامبر چنین نقل کرده که حضرت فرمود: «بهزودی به این خانه (کعبه) گروهی پناه خواهند برد که وسیله دفاعی و لشکر و امکانات ندارند. لشکری به سوی آن‌ها فرستاده خواهد شد. هنگامی که آن لشکر به سرزمین بیداء رسید در آنجا فرو خواهد رفت».<sup>۳</sup> مسلم روایت دیگری را نیز چنین از حفصه نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لشگری قصد خانه خدا کنند تا اینکه به بیداء برسند که وسط آن لشکر به زمین فرو روند و آخر لشکر اول آن را خبردار می‌کند که آن‌ها نیز به زمین فرو می‌روند؛ در این صورت کسی از آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ مگر یک نفر که این جریان را بازگو می‌کند».<sup>۴</sup> ترمذی نیز روایت صحیحی را درباره لشکر سفیانی از صفیه همسر پیامبر نقل کرده است.<sup>۵</sup> ابن ماجه نیز چندین روایت در سنن خود در کتاب الفتن در «باب جيش البیداء» در این باره نقل کرده است.<sup>۶</sup>

ابوداود نیز در سنن خود در کتاب المهدی درباره فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بین مکه و مدینه از صفیه نقل کرده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «وَيَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتًا مِنَ الشَّامِ فَيُخَسَفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ»؛<sup>۷</sup> به سوی او لشکری از شام فرستاده می‌شود؛ پس در سرزمین بیداء بین مکه و مدینه فرو می‌روند. وی در کتاب الملاحم نیز روایتی را درباره نشانه‌های

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۹.

۲. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۸.

۳. همان، ص ۲۲۱۰.

۴. همان، ص ۲۲۰۹.

۵. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۸.

۶. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۰.

۷. ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

آخرالزمان چنین نقل می‌کند که در آن به خسف در جزیره العرب نیز اشاره می‌کند: «لَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ... وَثَلَاثَ حُسُوفٍ حَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَحَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَحَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ»؛<sup>۱</sup> قیامت بر پا نمی‌شود مگر آن‌که ده نشانه محقق شود... سه تا خسوف است؛ فرورفتن در مغرب، فرورفتن در مشرق و فرورفتن در جزیره العرب. گفتنی است که این روایت را مسلم،<sup>۲</sup> ابن ماجه<sup>۳</sup> و ترمذی<sup>۴</sup> نیز نقل کرده‌اند.

نسائی نیز چندین روایت را درباره خسف بیداء نقل کرده است. وی روایتی را از حفصه چنین نقل می‌کند که پیامبر ﷺ، فرمود: «لشگری به سوی حرم (کعبه) فرستاده می‌شود. زمانی که به بیداء برسند اولین و آخرین آن‌ها بر زمین فرو می‌روند و وسط لشگر نیز نجات پیدا نمی‌کند».<sup>۵</sup>

طبق این روایات، خروج سفیانی و فرورفتن او بعد از لشگرکشی به طرف کعبه، از علائم ظهور حضرت مهدی ﷺ است که در بیان علمای اهل سنت از آن به آخرالزمان یاد می‌شود. هدف سفیانی نیز از این حمله، تخریب کعبه و نابودی حکومت امام مهدی ﷺ است. ملا علی قاری در ذیل «یغزو جیش» گوید: «مراد لشگر عظیم در آخرالزمان است که هدف آن‌ها تخریب کعبه است».<sup>۶</sup> ابن حبان نیز قبل از نقل روایات «خسف بیداء» به این مسئله اشاره می‌کند که هدف لشگر سفیانی از بین بردن حکومت حضرت مهدی ﷺ است: «القوم الذین یخسف بهم إنما هم القاصدون إلى المهدی فی زوال الأمر عنه».<sup>۷</sup> می‌شود چنین برداشت کرد که سفیانی در حمله به کعبه دو هدف عمده دارد: تخریب خانه خدا و از بین بردن حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ؛ اما به عذاب الهی گرفتار می‌شود و قبل از رسیدن به کعبه، زمین لشگریان او را فرومی‌برد.

درباره علائم ظهور، نشانه‌های دیگری نیز مانند طلوع خورشید از مغرب، پرچم‌های سیاه از

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۴.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۵.

۳. ابن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۷.

۴. ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۷۷.

۵. نسائی، سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۰۶.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۲۳۶.

۷. ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۵۸.

خراسان و خروج دجال مطالب زیادی نقل شده است.

### فهرست منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، أحمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تحقیق: محب‌الدین الخطیب، بیروت، دارالمعرفة.
۲. البانی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن ابوداود، مکتبه المعرف للنشر و الطبع، ۱۴۱۹ ق.
۳. \_\_\_\_\_ صحیح سنن ترمذی، ریاض، معارف.
۴. \_\_\_\_\_ صحیح سنن ابن ماجه، ریاض، مکتبه المعارف.
۵. \_\_\_\_\_ صحیح سنن ابوداود، مکتبه المعرف للنشر و الطبع، چاپ اول سال چاپ: ۱۴۱۹ هـ
۶. \_\_\_\_\_ صحیح و ضعیف سنن ابی داود، کویت، مؤسسه غراس، ۱۴۲۳ ق.
۷. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۲، ۱۴۱۴ ق.
۸. بخاری، ابو عبدالله محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ج ۲، ۱۴۰۷ ق.
۹. بکری قرطبی، ابوالحسن علی بن خلف بن عبدالملک (ابن بطلال)، شرح صحیح البخاری، تحقیق: ابوتمیم یاسر بن ابراهیم، ریاض، مکتبه سعودیه، ج ۲، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. عینی، بدرالدین ابومحمد محمود بن أحمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۱. قاری، ملا علی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، تحقیق: جمال عیتانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۳. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۴. مناوی، محمد، فیض القدر شرح الجامع الصغیر، مصر، المکتبه التجاریة الکبری، ۱۳۵۶ ق.
۱۵. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر.

١٦. سهارنپورى، خليل احمد، البذل المجهود فى حل أبى داود، بيروت، دارالكتب العلميه.
١٧. حاكم نيشابورى، محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١١ ق.
١٨. نسائى، أحمد، المجتبى من السنن، تحقيق: عبدالفتاح ابوغدة، حلب، مكتب المطبوعات الإسلاميه، ج ٢، ١٤٠٦ ق.
١٩. مروزى، نعيم بن حماد، كتاب الفتن، تحقيق: سمير أمين الزهيرى، قاهره، مكتبة التوحيد، ١٤١٢ ق.
٢٠. قزوینى، محمد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر.